

بن‌بست در سوریه گزینه‌ای با کمترین عواقب منفی

به قلم دیوید پولاک (/fa/experts/dywyd-pwlak-0/)

۱۸ مه ۲۰۲۱

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/stalemate-least-bad-option-syria

العربية (/ar/policy-analysis/hl-aljmw-d-hw-alkhyar-alaql-swaan-fy-swrya/)

Also published in Newslooks

درباره نویسنده



دیوید پولاک (/fa/experts/dywyd-pwlak-0/)

دیوید پولاک هموند برنستاین و مدیر «پروژه فکر» در انستیتو واشنگتن است. وی در گذشته به عنوان مشاور ارشد وزارت خارجه ایالات متحده در بخش خاورمیانه بزرگ با تمرکز بر حقوق زنان و به عنوان کارشناس منطقه‌ای «ستاد برنامه‌ریزی سیاسی» وزیر خارجه فعالیت داشته است.



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

اگر واشنگتن بخواهد صرفاً از بدترین نتایج ممکن اجتناب کند باید «انتخاب مجدد» و قلابی اسد را رد کند و به حمایت از حملات اسرائیل بقای نیروهای دموکراتیک سوریه و کمک به پناهندگان ادامه دهد.

دولت بایدن مشغول مسائلی در داخل و مسائل چین و روسیه در خارج است و این کاملاً قابل درک است. در پس این مشغله بحث سیاست‌گذاری در قبال بحران پایان‌ناپذیر سوریه بی‌سروصدا دارد به نتیجه‌گیری نزدیک می‌شود. سوال اساسی این است که آیا باید در روند بی‌ثمر جاری باقی ماند یا تصمیم دیگری گرفت.

گفتگوهای خصوصی با مقامات ارشد از طرف‌های ذی‌نفع نشان می‌دهد که هنوز پاسخی برای این پرسش وجود ندارد و این سیاست آمریکا را بر سر دوراهی «اهدایت خودکار» قرار داده تا هنگامی که بازنگری کامل شود و به تصمیمی برسد. در واقع این بلا تکلیفی نسبت به نیت آمریکا چیزی است که همه بازیگران عمده منطقه در این مرحله عرب‌ها اسرائیلی‌ها ترک‌ها و کردها در مورد آن اتفاق نظر دارند.

من بعد از یک دهه پیگیری جنگ مصیبت‌بار سوریه و داشتن تماس منظم با همه طرف‌ها قضاوت‌م در کمال تعجب و ناخوشایندی برای خودم این است که: تصمیم آمریکا نباید تغییر کند فقط اصلاحات مختصری در موضوعات حاشیه‌ای نیاز است. این کار وضعیت دشوار سوریه را حل و فصل نخواهد کرد اما احتمالاً مانع بدتر شدن آن خواهد شد. گرچه ممکن است به صورتی غافلگیرکننده واقعاً بدتر شود. در این یادداشت تمرکز بر فوری‌ترین نکات تصمیم‌گیری دیپلماتیک و امنیتی است. دیگر مسائل مهم و میان‌مدت از جمله چالش‌های سیاسی و بشردوستانه عمده در نواحی دورافتاده مثل ادلب دیرالزور التنف درعا و سویدا به یک یادداشت تکمیلی دیگر در آینده نزدیک نیاز دارد.

در حال حاضر سه تحول هست که مسئله سوریه را به سطح بالاتری از اولویت سوق می‌دهد. اول «انتخاب مجدد» و قریب‌الوقوع بشار اسد در اواخر ماه می به عنوان رئیس‌جمهور برای یک دوره هفت‌ساله دیگر که باز هم با حمایت قاطع روسیه همراه است. دوم تشدید درگیری‌های محلی میان نیروهای دموکراتیک سوریه به رهبری کردها با شبه‌نظامیان طرفدار رژیم در قاشلی و دیگر نقاط در شرق است.

که تاکنون بدون هرگونه تهدید یا مداخله ترکیه بوده است. گرچه کردها موفقیت‌های مختصری هم داشته‌اند. سوم از سرگیری حملات محدود هوایی اسرائیل و عملیات‌های خرابکارانه آشکار آن علیه اهداف ایرانی و سوری در داخل و در اطراف سوریه است که یک مورد چشمگیر آن عملیات اسرائیل در واکنش به پرتاب یک موشک سوری سرگردان بود که به طرز خطرناکی به نزدیک راکتور هسته‌ای دیمونا در اسرائیل اصابت کرد.

هر سه این تحولات تجویز ناخوشایند مرا برای حفظ روند فعلی تقویت می‌کند. به نظر می‌رسد این تحولات دو گزاره کلیدی را تایید می‌کند: اول آن‌که آمریکا برای کمک به مسئله سوریه نمی‌تواند روی مسکو حساب کند. دوم آمریکا به هر حال می‌تواند هم به اسرائیل و هم به نیروهای دموکراتیک سوریه تکیه کند و هیچ کدام ریسک افزایش تنش یا تأثیر منفی بر جبهه‌های دیگر هم نخواهد داشت. در این‌جا با قدری ساده‌سازی اجتناب‌ناپذیر به رعایت اختصار به نوبت نگاهی به هر کدام از این زوایا خواهیم انداخت.

در مورد «انتخاب مجدد» و قریب‌الوقوع اسد چند روز پیش لیندا توماس-گرینفیلد سفیر آمریکا در سازمان ملل با جدیت و صراحت در شورای امنیت علیه این تلاش «نامشروع» صحبت کرد. این صحبت در مواضع اعضای اروپایی هم انعکاس یافت. اما روسیه با این اظهارات مخالفت کرد و تازه‌ترین ضربه را به توهم ده‌ساله ایجاد شکاف بین پوتین و اسد زد.

موضع آمریکا موضع درستی است حتی اگر نتوان اسد را در حال حاضر سرنگون کرد. رژیم او مشخصاً همان قدر مسئول نسل‌کشی مردم خود است که دولت عثمانی یا دولت چین که بنا به توصیف بایدن مسئول نسل‌کشی مردم خود هستند. در مورد اسد هم هیچ دلایل متقابلی وجود ندارد که نسل‌کشی را از او دور بدانیم و خود را به ناچار قانع کنیم و او را بپذیریم.

منطق بشردوستانه مفروض برای این پذیرش اشکال ذاتی دارد. هرگونه کاهش تحریم‌ها اعطای کمک یا انجام پروژه‌های بازسازی نه به سود مردم سوریه در کلیت خود که به نسبتی فاحش به سود دیکتاتور جنایتکار و رفقای او تمام خواهد شد. و مطمئناً به نفع ۶ میلیون پناهنده سوری هم نیست که او آن‌ها را از وطن‌شان بیرون رانده و بازگشت داوطلبانه‌شان با قبضه قدرت در دست شخص اسد رابطه‌ای معکوس دارد. اگر آمریکا می‌خواهد کماکان به مردم سوریه کمک کند باید نقش پیشگام خود را به عنوان حامی کمک به پناهندگان سوری حفظ کند و باید دست‌کم یک تغییر سیاست مناسب را در نظر بگیرد که رفع تحریم‌ها و ترویج تجارت و سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی از کشور است که بیرون از کنترل رژیم اسد قرار دارد. خواه این مناطق تحت کنترل ترکیه باشد یا کردها یا دیگر نیروها.

متأسفانه اتحادیه عرب و چندین کشور منفرد عربی در جهت احیای برخی تماس‌ها با دمشق حرکت می‌کنند. حتی اسرائیل ممکن است به اقداماتی موازی گرچه فقط در پشت صحنه فکر کند. اما این حجتی برای آمریکا نیست که از گام‌های لرزان آن‌ها پیروی کند. این مسیر نه تنها به هیچ‌وجه موجب شکاف بین اسد و ایران یا روسیه نمی‌شود بلکه ریسک افزایش نفوذشان را در سوریه به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این حکمرانی اسد این ریسک را دارد که بهانه برای سرپازگیری داعش القاعده و دیگر گروه‌های جهادی در آن‌جا تداوم پیدا کند. به همه این دلایل «بازپروزی» اسد به قول معروف تالیبران «امری بدتر از گناه یعنی اشتباه» خواهد بود.

حتی اگر برکناری اسد فعلاً دیگر آن ضرورت پیشین را نداشته باشد دو جنبه دیگر سیاست آمریکا نشانه‌های بیشتری از موفقیت دارند. آن هم با هزینه بسیار کم. در نتیجه موقع بازنگری سیاست فعلی باید آن‌ها را حفظ کرد: اول حمایت متعارف و مداوم از نیروهای دموکراتیک سوریه به رهبری کردها در شمال شرق است. تلاش آمریکا برای «یکپارچه‌سازی» گروه‌های کرد رقیب و دیگر گروه‌ها در آن‌جا به بن‌بست خورده است و برخی شهرهای کلیدی در نواحی دورافتاده سوریه مثل رقه و دیرالزور کماکان محل منازعه است. اما نیروهای دموکراتیک سوریه بعد از درگیری‌های چند هفته اخیر با گروهی که به قول یکی از فرماندهان ارشد شبه‌نظامیان نیروی دفاع ملی هوادار رژیم و «مورد حمایت ایران» بودند به کنترل قاطع‌تری بر شهر بزرگ قامشلی دست یافته که از هر زمان دیگری در گذشته بیشتر است.

نکته مهم دیگر این است که واکنش ترکیه به این تحول بسیار خویشتن‌دارانه بود. منظور این نیست که ترکیه از سیاست آمریکا در سوریه حمایت می‌کند برعکس وقتی از یک مقام آمریکایی خواسته شد نمونه‌هایی از همکاری فعلی با آنکارا را بیان کند وی به ناچار به موارد همکاری ایالات متحده و ترکیه در مسائل افغانستان و اوکراین اشاره کرد. اما نه در مورد سوریه یا هر مسئله دیگری در خاورمیانه. در واقع ترکیه فعالانه مانع تلاش‌های آمریکا برای یکپارچه‌سازی (یا دست‌کم ممانعت از درگیری) جناح‌های کرد سوری شده چون نگران است که این کار به جای کاهش نفوذ پ.ک.ک موجب افزایش نفوذ این گروه در مرزهای ترکیه شود.

با این حال در روزهای اخیر اظهارات رسمی مقام‌های ترکیه در خصوص این مسئله بسیار حساس لحنی آرام‌تر به خود گرفته است. گرچه ترکیه حملات علیه پ.ک.ک را در داخل عراق افزایش داده است. همین‌طور واکنش ملایم ترکیه در قبال به رسمیت شناختن قتل‌عام ارامنه از سوی بایدن نیز نشان از تمایل آنکارا به اجتناب از خصومت بیشتر با واشنگتن دارد. حتی در زمانی که روابط ترکیه-روسیه همچنان در حال گسترش است. در نتیجه ظاهراً ترکیه گرچه مثل سال ۲۰۱۴/۲۰۱۵ با نیروهای دموکراتیک سوریه کنار نیامده اما اقدامات بیشتر علیه آن را به تعویق می‌اندازد.

این امر خود باعث می‌شود که حفظ حضور فیزیکی بسیار محدود آمریکا در شمال شرق سوریه و حمایت از نیروهای دموکراتیک سوریه در آنجا معقول‌تر هم باشد. برای این نیروها ضروری است تا در مقابل داعش اسد روسیه و ایران دوام آورند و کاربرد عملی این منطقه نفوذ در شمال شرق سوریه برای ایالات متحده یک امتیاز است. آن هم در مقایسه با هزینه‌های دست‌کشیدن از آن یعنی: خطر اخلاقی و ضربه راهبردی به اعتبار آمریکا به خاطر رهاکردن یک متحد خصوصا با توجه به خروج نظامی قریب‌الوقوع آمریکا از افغانستان.

سرانجام می‌رسیم به جنبه نسبتاً موفق دیگری از سیاست آمریکا در سوریه که باید آن را هم حفظ کرد: «چراغ سبز» به عملیات اسرائیل علیه موشک‌ها و شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران و اهداف این کشور در سوریه. این عملیات‌ها ایران را متوقف نمی‌کند اما تهدیدش را نه فقط علیه اسرائیل که علیه کل منطقه کمتر می‌کند و مشخص است که این عملیات‌ها مانع مذاکرات هسته‌ای با ایران هم نیست. این بار وضع کاملاً عوض شده است: به‌جای آن‌که آمریکا به‌خاطر یک توافق هسته‌ای به حمایت ایران از اسد تن دهد حالا ایران دست‌نگه داشته و پای میز مذاکره هسته‌ای باقی مانده است. در حالی که اسرائیل حضور خود را در سوریه تحصیل می‌کند به طور خلاصه در حالی که سیاست آمریکا در مورد آینده سوریه امید اندکی به برکناری اسد باقی می‌گذارد. دلیلی هم برای مشروعیت بخشیدن به او وجود ندارد. همزمان حفظ پیوند ما با نیروهای دموکراتیک سوریه و افزایش پایداری اقتصادی آن با ریسک و هزینه‌ای قابل قبول در خدمت حفاظت از منافع و ارزش‌های آمریکا است و برای حفظ حمایت ضمنی از عملیات‌های اسرائیل در سوریه هم مفید خواهد بود. ادامه این روند موجب تداوم نفوذ و اعتبار آمریکا در داخل سوریه و فراتر از آن علیه همه بازیگران متخاصم از جمله داعش اسد و ایران می‌شود و همزمان در دیگر موضوعات فوری نگران‌کننده دست دولت آمریکا را در دیپلماسی با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قوی‌تر و آزادتر می‌کند.

دیوید پولاک هموند برنستاین در انستیتو واشنگتن و مدیر پروژه فکره است. این مقاله نخست در وبسایت نیوزلوکس (<https://www.newslooks.com/is-stalemate-the-least>) منتشر شده است.

RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریه ۲۰۲۲

Farzin Nadimi

([/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology](https://policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology))



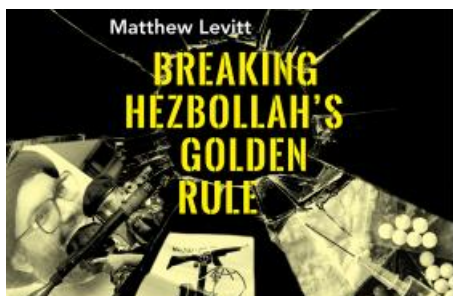
BRIEF ANALYSIS

Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

فوریه ۲۰۲۲

Simon Henderson

(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

فوریه ۲۰۲۲

Matthew Levitt

(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule)

TOPICS

(/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/) نظامی و امنیتی

(/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/) عرب و اسلام سیاسی

(/policy-analysis/syast-amryka/) سیاست آمریکا

REGIONS & COUNTRIES

(/policy-analysis/swryh/) سوریه

(/policy-analysis/asrayyl/) اسرائیل

(/policy-analysis/ayran/) ایران

(/policy-analysis/trkyh/) ترکیه